

به این ۹ دلیل، بوش به ایران حمله خواهد کرد
مرگ بر مزدوران ضدّ جنگ و طرفداران مماشات!

محمدعلی اصفهانی

www.ghoghnoos.org

مطلبی نوشته بود عبدالباری عطوان سردبیر «القدس العربی»
نشریه ی عرب زبان فلسطینی پی که در لندن منتشر و در
سراسر جهان پخش می شود، در کمتر از دو ماه پیش از این، در
نشریه اش.

در آن زمان، هنوز:

- جرج بوش از «جنگ جهانی سوم» ی که قصد دارد با تجاوز به
ایران به راه بیاندازد، سخن نرانده بود؛

- اولمرت به فرانسه نیامده بود تا به گفته ی سازمان وحدت
یهودی فرانسه برای صلح «موعظه ی جنگ با ایران را بخواند... و
از سگوی فرانسه برای متقاعد کردن دولت های غربی برای
حمله به ایران استفاده کند» (۱)

- همزمان با سفر اولمرت به فرانسه، مجاهدین خلق که در حال
حاضر فعال ترین جریان سیاسی ایرانی هماهنگ با اسرائیل و
آمریکا در ماجرای حمله به ایران است، نماینده ی خود در تلویزیون
نئوکان - اسرائیلی و جنگ افروز فاکس نیوز را برای اجرای چند
کنفرانس مشترک به مأموریتی چند روزه به اروپا نیاورده بود تا
همراه با مسئول کمیسیون خارجی «شورای مقامت» در مورد
خطرات فوری و مهیبی که «جامعه ی جهانی» به خصوص آمریکا
و اسرائیل و سربازان آمریکایی در عراق را از سوی حکومت ایران
تهدید می کند، و در مضرات مماشاتگری های البرادعی که نهایتاً

منجر به نابودی کره ی زمین در چند ماه آینده به وسیله ی بمب اتمی ملّایان خواهد شد، کنفرانس مشترک برگزار کند.

- آقای رجوی در پیام هفتم آبان خود، صریحاً اعلام نکرده بود که تهدید جهان، نه جنگ، بلکه «نه جنگ» است [تهدید جهان این است که جنگ در نگیرد، نه آن که بر اثر تلاش های جنبش جهانی فریبخورده ی صلح، و لابی های رژیم، و مزدوران آن در اپوزیسیون ایرانی و اجنبیان ضد جنگ، خدای نکرده، مسأله ی حمله به ایران منتفی شود.] و نیز مژده نداده بود که جنگی که درخواهد گرفت زمینی هم خواهد بود و در آن مجاهدین حرف نهایی را خواهند زد؛ و غیره و غیره و غیره... (۲)

- زهرا، پزشک جوان، که گویا از فعالان جنبش ضدمردمی و فرمیستی و فریبکارانه ی «کمپین یک میلیون امضا» برای «بقای رژیم ولایت فقیه» هم بود، در ستاد امر به معروف و نهی از منکر حکومت سالوس و ریا و زر و زور و تزویر به قتل نرسیده بود؛

- جنبش های اجتماعی که به وسیله ی دشمنان مردم و ترکش خورده های دو خرداد و مزدوران رنگارنگ رژیم با اتکا به نیروی توده ها و نه «پیشتازان قهرمان خلق» انجام می گیرد و خاک در چشم توده ها می پاشد، به اوج امروزی خود نرسیده بود؛

- علی اصغر حاج سید جوادی (و یا «سید» آنطور که، مثل خیلی از دوستانش، ما بچه های قدیم کیهان او را می نامیدیم) به عنوان یک «غدار قلم به دست»، نامه ی سرگشاده یی به «منصور حلاج» زمان یعنی رییس دانشگاه کلمبیا نوشته بود و در آن نگفته بود که ملّت ایران در مبارزه برای سرنگونی رژیم به قیّمانی مثل جنابعالی و دوستان اسرایلیتانی و جرج بوشتان و زندان گوانتانامویتان نیازی ندارد؛ و از همین رو علاوه بر صفت همیشگیش «عموجان فرومایه» در یک هجوم دسته جمعی و سیستماتیک و مستمر و همه جانبه، به القابی جدید از قبیل

«خر پیری که می خواهد در طویله ی آخوند ها قیمت خودش را بالا ببرد» و «بیشترم و حقیر و پست و مردمفروش و دلکک سیاسی و بی غیرت و رذل و غنی شده در منجلاب آخوند های رذل و جانی، و مردک بی وجدان» و الخ، مفتخر نشده بود که: «نامه اش را باید آخرین تقلاهای نسل ابتر او و درواقع عصاره ی حقه بازی بقایای میانه باز و منقرض تلقی نمود» چرا که «نشان دادن و آدرس دادن همزمان وهم عرض چندین و چند دشمن در آن واحد، بعد ازگذشت اینهمه سال هیچ مفهومی به غیر از دربردن و از زیر ضرب خارج کردن دشمن اصلی تاراج حرث و نسل ملت ایران یعنی رژیم آخوندی ندارد...» (۳)

- ناصر زرافشان، نویسنده و وکیل مدافع خانواده ی شهدای قتل های زنجیره پی همچون داریوش فروهر «میانه باز» و «مأمور وزارت اطلاعات» (به تصریح آقای رجوی در پیامی به مناسبت سالگرد ۲۲ بهمن) و مجید شریف «خائن مزدور» و محمد مختاری و محمد جعفر پوینده که با مراجعه به وزارت ارشاد خاتمی برای تشکیل کانون نویسندگان، مرز های سرخ را درنوردیده بودند و به خدمت ضد خلق در آمده بودند، «چشم بندی» نکرده بود (۴) و اعلام نداشته بود که می خواهد کمیته ی ضد جنگ در ایران تشکیل دهد و عواقب تجاوز نظامی آمریکا و اسراییل را برای مردم ایران و جهان تشریح کند؛ و درنتیجه هنوز مورد الطافی از این نوع قرار نگرفته بود که: «آقای زرافشان به کجا می روید؟» (۵) و یا: «زهر تولید شده در آزمایشگاه های رژیم اشغالگر آخوندی علیه اپوزیسیون برانداز رژیم آخوندی را بسوی این اپوزیسیون در برونمرز شلیک» کرده است، و کارش به آنجا رسیده است که ببینیم: «در پوشش دفاع از "استقلال"، "هویت" و "تمامیت ارضی ایران" در برابر خطر جنگ (بخوان حمله ی نظامی آمریکا و متحدین این کشور علیه رژیم پلید و پلشت آخوندی!)، از ایرانیان داخل و خارج

کشور خواسته است که بر سرشت اهریمنی و ضدایرانی رژیم جمهوری اسلامی و جنایات بیشمار و پیوسته ی آن علیه ایران و ایرانی " چشمشان را ببندند و صمیمانه در جهت مبارزه و مقابله با آن خطر حرکت کنند." « و... (۶)

- خانم شیرین عبادی دوباره به فرانسه نیامده بود که در باره ی «افاضات جدیدش» (۷) نوشته شود که:

«اکنون نامبرده به فرانسه سفر کرده تا افکار عمومی را نسبت به آثار مخرب تحریمهای اقتصادی بر حکومت ایران، بیخشید بر ملت ایران ، روشن سازد. ایشان چنین گفته اند : ما مخالف حمله نظامی به ایران هستیم . ضمنا فکر می کنیم که شما باید آقای سارکوزی را تشویق کنید تا به منافع ملی فرانسه بیشتر فکر کند. من از طرف مردم ایران اعلام می کنم که اگر به ایران حمله شود مردم مقاومت خواهند کرد و به آن جواب خواهند داد. ما نه تنها با بمباران یا حمله نظامی به ایران مخالفیم ، بلکه با مجازاتهای اقتصادی و تحریم اقتصادی ایران مخالفیم زیرا این کار صدمه زیادی به مردم می زند.»

و در نتیجه علاوه بر دشنام های مستمر قبلی، به او نصیحت نشده بود که:

« شرمت باد ای عروسک دست ملایان... شرمت باد که مایه شرم و ننگ هر حقوقدان و فعال حقوق بشر هستی.» و... (۸) و خلاصه، فرمان حمله ی صریح با هرزه ترین کلمات به مخالفان تجاوز نظامی آمریکا و اسراییل به ایران از «منابع صدور» در تل آویو و واشنگتن صادر نشده بود.

- و از همه بدتر: جمعی از خانواده های شهدای دو نظام در نامه یی خطاب به مردم ایران ننوشته بودند که:

«ما جمعی از خانواده های قربانیان سیاسی که رنج ها و آلام زیادی در این سال ها متحمل شده ایم، با اعمال هرگونه

سیاست جنگ طلبانه و تحریم اقتصادی که قربانیان آن تنها مردم ایران خواهند بود مخالفیم .

«ما به کسانی که چشم امید به جنگ طلبان دوخته اند و در آرزوی بازگشت تحت لوای سرنیزه های آمریکایی، هستند، یادآور می شویم که حافظه ی تاریخی مردم ایران زمینه ی شکل گیری کودتای ۲۸ مرداد و دخالت بیگانگان در آن را فراموش نکرده و توجیه گران چنین مداخلاتی را نخواهد بخشید.

«هم میهنان! در هر محل، شهر و روستا که هستید، با تشکیل نهادهای خودجوش مستقل در برابر جنگ و جنگ طلبان ایستادگی کنید.» (۹)

خلاصه در هنگام نوشتن مقاله ی عطوان در القدس العربی، این اتفاقات نیافتاده بودند، وگرنه ممکن بود که او به راه راست ارشاد شود و این مقاله را ننویسد.

اما چون متأسفانه این فلسطینی «تروریست» (فلسطینی ها همه به جز محمود عباس و محمد دحلان، تروریست هستند؛ مثل لبنانی ها به غیر از سمیر جعجع و ولید جنبلاط - به ضمّ جیم و به فتح با، بر وزن دنبلان)، به هر حال این مقاله را نوشته است، من هم به عنوان یکی از مزدوران مخالف «جنگ رهایی بخش» آمریکا و اسرائیل با ایران، حیفم آمد که گزارشی جمع و جور شده از این مقاله به زبان فارسی تهیه نکنم و برای گمراه کردن عموم ایرانیان درون مرز و برون مرز که به اینجور مطالب دسترسی ندارند منتشر نسازم.

سردبیر «القدس العربی» در مقاله ی خود توضیح می دهد که بعد از تابستان امسال، دیپلماسی غربی دچار نوعی تنش شده است؛ و همه ی نشانه ها حاکی از آن است که این دیپلماسی

ناچار است که به طور خاص به خاورمیانه و شرایط متغیر آن نظر بدوزد. او اضافه می کند که در خاورمیانه، نقطه ی تمرکز، ایران خواهد بود؛ هدف فوری آمریکا.

او از یک تحرک اوج گیرنده ی سیاسی، دیپلماتیک، مدیاتیکی، و نظامی بی سابقه علیه ایران می نویسد.

چرا که فرصت چندانی برای جرج بوش باقی نمانده است؛ و او باید هرچه می خواهد علیه ایران انجام دهد را به سرعت عملی کند.

عطوان با اشاره به پاره یی ارزیابی ها احتمال می دهد که در صورتی که ماجرای خارق العاده یی نظیر آنچه در لیبی و کره ی شمالی رخ داد رخ ندهد، جنگ علیه ایران باید احتمالاً در ظرف شش ماه آینده انجام بگیرد.

نشانه های نه گانه یی که از نظر او دلالت بر قصد قطعی آمریکا به تجاوز به ایران و ویران کردن آن دارد، به طور اختصار این ها هستند:

نشانه ی اول

جرج بوش برای عنوان کردن «خطر ایران» از کلمه ی «هولوکاست اتمی» استفاده کرده است که می تواند به معنای آماده کردن افکار عمومی برای حمله به ایران با استفاده از سلاح های اتمی باشد. [کلمه ی هولوکاست، از یکسو یادآور جنایات نازی هاست که البته تقصیر مردم فلسطین بوده است؛ و از سوی دیگر یادآور جنگ جهانی دوم با آلمان و متحدان آن و ماجرا هایی که در آن جنگ گذشت.]

نشانه ی دوم

رییس جمهوری جدید فرانسه، نیکولا سارکوزی، سعی می کند که جای خالی شده ی تونی بلر به عنوان بهترین متحد آمریکا را در نزد آمریکاییان پر کند.

او سیاست شیراک در خاورمیانه را رها کرده است و بر عکس او و گلیست ها سیاست هم موضعی و هم خطّی با آمریکا در خاورمیانه را در پیش گرفته است.

سارکوزی تفریحات تابستانی خودش را در آمریکا گذرانید [و میهمان جرج بوش در خانه ی خصوصی او شد. خانه یی که بوش فقط تعداد بسیار اندکی از سیاستمداران و رؤسای جمهوری دنیا را به آن راه داده است].

و تقریباً بلافاصله بعد از بازگشتن او از آن میهمانی بود که سارکوزی در برابر ۱۸۸ سفیر فرانسه که فرانسه را در سراسر جهان نمایندگی می کنند اعلام کرد که اگر ایران از جاه طلبی های خود دست بر ندارد، خود را در معرض بمباران قرار خواهد داد.

نشانه ی سوم

در مجمعی از روزنامه نگاران فرانسوی، همین چندی پیش، سیمور هرش، به آنان اطلاع داد که تصمیم حمله به ایران، پیشاپیش اتخاذ شده است؛ و در این امر، حرف آخر را دیک چینی، معاون جنگ طلب بوش می زند؛ و رابرت گیتس، وزیر دفاع آمریکا، که از عواقب شوم حمله ی نظامی به ایران آگاه است، به زودی استعفا خواهد داد.

نشانه ی چهارم:

نیکلا برنز، در نشریه ی نیویورک تایمز در مصاحبه با رژه کوهن گفته است:

- اکثر کشور های منطقه، دولت ایران را یک دولت آشوبگر و حامی تروریسم می دانند؛ و آن را خطری برای ثبات منطقه تلقی می کنند... این کشور ها، و مخصوصاً «شیخ نشینان نفتی» فهمیده اند که ایران خطری بیشتر از اسرائیل است. [و البته برای رعایت انصاف باید گفت که استثنائاً نیکلا برنز حق دارد. چون اسرائیل، هیچ وقت از زمان تأسیسش تا کنون، کوچکترین خطری برای شیوخ منطقه نبوده است و نخواهد بود. چون قتل عام کودکان و نوجوانان و جوانان و پیران و مردان و زنان فلسطینی و لبنانی و حمله به بیمارستان ها و مهد کودک ها و خانه های گلی و کاهگلی و خیمه های پاره پاره ی فلسطینیان و لبنانیان، مزه ی بیشتری برایش دارد. و البته نباید فراموش کرد که این کارها همه اش به خاطر تحریکات نیرو های مقاومت فلسطینی و لبنانی است؛ و هرکس که در این موضوع تردیدی دارد اگر دستش به قدیم الاستخدام های موساد نمی رسد، می تواند از جدیدالاستخدام هایشان بپرسد.]

نشانه ی پنجم

آمریکا مسأله ی قرار دادن سپاه پاسداران حکومت ایران را در لیست تروریستی مطرح کرده است؛ و همزمان به ادعا های خود در مورد کمک حکومت ایران به گروه های مقاومت عراق در مواردی که منجر به تلفات جانی برای سربازان آمریکایی می شود افزوده است. [کشته شدن به طور متوسط صد عراقی در هر شبانه روز به

وسیله ی نیرو های آمریکایی و تروریست های القاعده که در اماکن عمومی و غیر نظامی بمبگذاری می کنند، البته موضوع پیش پا افتاده یی است. پیش پا افتاده تر از تجاوز به دختر بچه های دوازده ساله و کشتن خودشان و پدر و مادر و برادرشان و به آتش کشیدن همه ی آن ها و از اینجور سرگرمی های طفلک سربازان و فرماندهان آمریکایی در دیار غربت عراق امروز و احتمالاً در صورت جنگ زمینی یی که مژده ی آن پیشاپیش داده شده، در دیار غربت ایران فردا.]

نشانه ی ششم

عربستان سعودی، قراردادی به مبلغ نا قابل پنج میلیارد دلار با یکی از مؤسّسات حفاظت خصوصی و استخدام مزدور جنگی، در آمریکا منعقد کرده است که سی و پنج هزار نفر را برای مراقبت تأسیسات نفتی عربستان آموزش دهد. یک سال پیش، القاعده طرحی را برای حمله به تأسیسات نفتی عربستان سعودی آماده کرده بود که با شکست روبرو شد. اما حکومت ایران احتمالاً بر عکس القاعده امکان این را دارد که با هواپیما و یا پرتاب موشک های شهاب این کار را انجام دهد. و این، یکی از بهانه های آمریکا شده است برای نگاهداری ضدّ موشک های موسوم به پاتریوت همراه با مستلزمات آن، در منطقه، و به خصوص در کویت.

نشانه ی هفتم

آمریکا بسیار عجله دارد که در پاییز امسال یک کنفرانس صلح، با شرکت اهود اولمرت و محمود عباس [آژان آمریکا و غرب به گفته

ی رابرت فیسک (۱۰) و ترتیب دهنده ی کودتای کورتاژ شده در فلسطین به گفته ی میشل وارشاوسکی (۱۱) و مشوق قطع آب و برق و غذا و دارو درمان در حدود یک و نیم میلیون نفر از هموطنان خود در نوار غزه به وسیله ی اسرائیل [ترتیب دهد که طی آن، او و اولمرت به یک تفاهم اصولی برای تشکیل یک دولت فلسطینی [احتمالاً تا پایان قرن حاضر، و با همان وضع و شکل و شمایلی که «وحدت یهودی فرانسه برای صلح» پیش بینی کرده است (۱۲)] برسند.

یک موفقیت احتمالی در این زمینه، خواهد توانست که به بوش کمک کند تا کار حمله به ایران را راحت تر آغاز کند: با راضی کردن حگام منطقه به حمله ی مشترک و در یک جبهه ی واحد با آمریکا و اسرائیل - اسرائیلی که از آن پس دیگر یک دشمن صوری هم برای آن ها محسوب نخواهد شد - به ایران؛ و همزمان، منزوی کردن سوریه، مقاومت لبنان، و حماس.

نشانه ی هشتم

در ارتباط با نوری المالکی، نظر بوش، به یکباره از این رو به آن رو شد: اول بوش خواستار استعفای نوری المالکی شده بود؛ اما حالا از او اظهار رضایت می کند. منطقی ترین توجیه برای این موضعگیری های متضاد بوش این است که بگوئیم عزم او بر حمله به ایران جزم تر شده است؛ و از این رو ارزیابی بوش این است که فرصت لازم برای ملتهد تر کردن اوضاع عراق و تغییر دولت در آن کشور را ندارد.

نشانه ی نهم

انگلیس، سربازان خود را در همین ایام اخیر، از بصره بیرون کشیده است. و این به معنای آن است که انگلیس، از یک سو متقاعد شده است که پیروزی در عراق غیر ممکن است، و از سوی دیگر نمی خواهد که نظامیانش در بصره که بسیار به مرز های ایران نزدیک است، در معرض خطر پاسخ ایران به حمله ی آمریکا قرار داشته باشند.

در برابر دو شکست - در عراق و در افغانستان - جرج بوش به این نتیجه رسیده است که تنها شانس برای خودش و برای حزب خودش در انتخابات پیش رو، یک قمار تمام عیار است. او در این مورد، ناچار است که ریسک یک شکست جدید را بپذیرد.

به هر حال، بوش خاطرش جمع است که موشک های ایران نخواهند توانست به به نیویورک یا واشنگتن برسند؛ بلکه فقط می توانند به تل آویو و ریاض و دوی اصابت کنند!

۱۵ آبان ۱۳۸۶

(۱)

www.ghoghnoos.org/khabar/khabar04\ujf-231007.html

(۲) پیام بسیار قابل تأمل هفتم آبان آقای رجوی

(۳) تمام سایت های ریز و درشت و رسمی و نیمه رسمی مجاهدین، زیر نظر و مسئولیت آقای مهدی ابریشمچی، و آقای محمد علی جابرزاده که خانم ایران رهامی هم نامیده می شوند، در پی انتشار نامه ی علی اصغر حاج سید جوادی به رییس دانشگاه کلمبیا

(۴ و ۶ و ۷ و ۸) همان سایت ها در یکی دو روز اخیر

۵ - عنوان مطلب اخیر آقای ایرج مصداقی

۹ - نامه ی اخیر جمعی از خانواده های شهیدان دو نظام

(۱۰)

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar03/welcome.htm>

!

(۱۱)

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar03/warschawski->

[1.html](http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar03/warschawski-1.html)

(۱۲)

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar04/ujf->

[231007.html](http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar04/ujf-231007.html)